

کارکرد و تاثیر ادبیات در ترویج تعلیم و اندیشه های اخلاقی

۱- امین ایمان زاده

چکیده

ادبیات تعلیمی یکی از گونه هایی است که می توان گفت سابقه ای بسیار دراز مدت دارد. آثار فراوانی از دیرباز با این مضمون باقیمانده که گواه فرهنگ غنی و پر بار ایرانی است. یکی از اهداف مهم ادبیات، کمک به انسان و کمال گرایی است. تا در این راستا، خود را بهتر بشناسد و از طریق خودشناسی به خدا شناسی برسد. به همین دلیل مبارزه با پستی ها، پرورش روح عفت، غرور، شهامت، خلاقیت، شادباشی و نشاط بخشی و اشتیاق برای تعلیم و تعلم در لابلای آثار ادبی موج می زند. ادبیات در هر شکل و قالبی که باشد نمایشگر زندگی و بیان کننده ارزش ها و معیارها و ویژگی هایی است که زندگی فردی و جمعی بر محور آن می چرخد. آثار ادبی گاه از منظر قومی و ملی و گاه از معبر عاطفه و احساس با زندگی پیوند می خورد و گاه نیز از گذرگاه خردورزی و اخلاق به تعلیم و ارشاد مخاطبین می پردازد. عرصه کاربرد ادب تعلیمی بسیار گسترده است و بجز آثاری که در راستای تعلیم و به خاطر سپردن علوم مختلف مانند صرف و نحو، طب، ریاضیات و ... سروده و نوشته می شد، بسیاری از آثار ادبی نیز موضوع یا اندیشه ای را به مخاطب انتقال می داد و مخاطب از طریق آن به دیدگاه و اندیشه های اخلاقی _ تربیتی دست می یافت. ادبیات تعلیمی دارای کارکردهای متنوعی است و آن را می توان امروزه در گونه های مختلف از جمله در ادبیات کودک، ادبیات عامه پسند و ادبیات اینترنتی نیز دید و در فرم های ادبی مختلف از جمله، رمان، داستان کوتاه، فیلمنامه، نمایشنامه، وبلاگ و حتی ترانه ردیابی کرد. با این تفاوت که در این دوران، مفاهیم اخلاقی، سیاسی، اجتماعی و حقوقی و ... بیشتر به صورت پوشیده به مخاطبان القا می شود. به ویژه در ادبیات داستانی که در آن تعلیم مفاهیم به صورت غیر مستقیم از راه نشان دادن وضعیت ها و شخصیت ها اتفاق می افتد. محور اصلی این پژوهش بررسی نقش و عملکرد ادبیات در تعلیم و تربیت و همچنین نحوه بیان آن به سبک ادبی و میزان تاثیرگذاری آن می باشد که با رویکرد تحلیلی و توصیفی مورد بحث و بررسی واقع شده است.

واژگان کلیدی: کارکرد ادبیات، تعلیم و تربیت، اندیشه اخلاقی.